

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

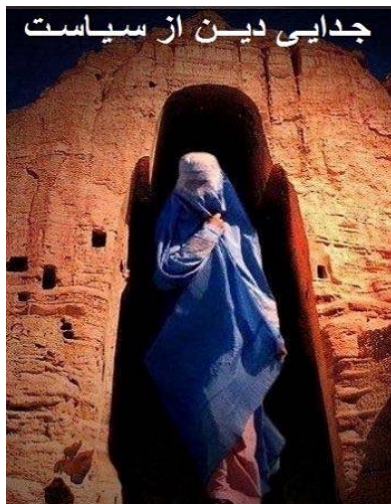
Ideological

مسایل ایدئولوژیک

آزاد ل
۱۹ جنوری ۲۰۱۴

در حاشیه، عالمان دین؟؟

۱۰



از نعره های آدم غرق جنون بترس از واعظی که رفته پی چند و چون بترس
 از آنکه زشت چهره تر از دیو شد بترس از آن کسی که زشت شده از درون بترس
 رنگ سیاه، خون به دلت می کند بدان از رنگهای تیره تر از رنگ خون بترس
از دیو جهل و آدم مداح و حرف مفت از گریه و سیاهی و فریاد و خون بترس

با عرض معذرت از تأخیر در ادامه این سلسله نوشته ها به گرانمایگانی که با خواندن آن (سؤالات سرگردان و بی جواب) به من قوت قلب نصیب می گردانیدند باید عرض نمایم که مشکلاتی بود و رفع شد و اینک بر گشتم به ادامه همان سلسله و در خدمت خواهم بود.

پیامبران و علمای دین که هزاران صفت به الله داده اند و مردم عام هم بدون تعقل فقط بر اساس این که در خانواده دینی متولد شده اند به الله و صفات نسبت داده شده به او معتقد و گفته های آنان را قبول و باور مند گردیده اند هرگز توجه نکرده اند که هیچ کدام از این پیامبران و عالمان دینی در هیچ مقطع تاریخی نفرموده اند که چرا این الله با این همه صفاتی که دارد در مورد مصیبت های عاید بر بندگان غریب و بی پناه و مظلومش نظارت نداشته و توجه مثبت به حال مظلومان نمی دارد؟؟

در طول تاریخ بشری تعداد زیادی از خون آشامان و چپاولگران هستی مردمان بدون باور به خدا و ادیان بر سر زمین های دیگران تجاوز نمودند. چپاول نمودند و همین الله با بی تفاوتی به آنان و عملکرد های شان نگریسته و بر قدرت و ثروت شان هم افزوده است؟؟

در هر حالتی به ملاحظه واقعات مصیبت بار اجتماعی بشری می توان دریافت که الله هم به نفع طبقات زور گو و مستبد عمل و از منافع آنها دفاع می کند و همین وظیفه را به دوش واسطه ها و نمایندگان خود سپرده است و یا هم این که اینان (عالمان دین) هیچ کاره بوده و فقط با تهمت به خود و الله، خود را به دین چسپانیده اند؟؟

در باور های اسلامی و عملکرد دنباله روان اگر کمی دقت شود به وضاحت می توان مشاهده نمود که اسلام یک عقیده ای است هزار رنگ، پر از فتنه، قتل و کشتار، چپاول و دزدی، دروغ و ربا و..... که البته تا جای ممکن در افشای این رمز های شیطانی خواهم کوشید.

در بین این همه نظریات گمراه کننده و قهقرائی اسلام، اختلافات و درگیری های گروه های متخاصم پیرو همین دین، آگاهی و برداشت شان از الله و هدایات قرآنی، طرز دید و برداشت شان از عملکرد های محمد و.... که همه را می توان بر مبنای اعتقادی و وابستگی های سیاسی رهبران و تبلیغ کنندگان این دین نسبت داد البته واضح است که همه آن گفتار ها، حرافی و روایت نمودن همه ترکیبی است از یک اندیشه زهر آگین و فریبنده که باعث مسمومیت مغز انسانهای خوش باور می شود.

بر می گردیم به موضوع حجاب.

در بخش های گذشته خواندیم که منبع و اساسات حکم حجاب به ارتباط رفع ضرورت خانم های محمد در مدینه که میرز (تشناب) نداشتند و آنها مجبور بودند برای تخلیه به بیرون از خانه بروند بوده و در وهله دوم تمیز و تفکیک زن آزاد از زن کنیز می باشد. که این دلیل دومی، معرف خوبی برای عدالت اسلامی است.

اما این که چرا شیخک های عرب و خدمتگزاران شان همچو موضوع تاریخی را به مردم نمی گویند و به این پدیده (حجاب) شکل اخلاقی، عفت، پاک و ... برای زن می دهند باید نظر شان را در باره (زن) واضح دارند و توضیح دارند که زن در اسلام یعنی چه؟؟ و کنیز؟؟ و هم باید روشن سازند که آیا کنیز را هم زن می دانند یا جنس؟؟؟؟

درفقه سنی و شعیه پوشش موی سر بر کنیزان واجب نیست؟؟ و به استناد تاریخ اسلام در بخش های گذشته خواندیم که

عمر بن خطاب کنیزی را به خاطر پوششی که بر سر و بدن داشته، لت و کوب نمود. بعضی از امامان شعبه نیز روایت کرده اند که: حجاب سر به کنیز واجب نیست، بلکه کنیزان از به کار بردن رو سری و پوشش خود داری نمایند و توصیه داشته اند که آنان را ازین کار باز دارید؟ تا از زنان آزاده متمایز گردند. پس چطور می توان از عفت و اخلاق و پوشش بدن موجودی به نام زن صحبت نمود؟؟؟؟ مگر این که بگویند: کنیز زن نیست؟؟؟

مطابق روایات متعدد بخشی از بدن کنیزان که موظف به پوشاندن آن بودند مانند مردان از ناف تا زانو بود و ملزم به پوشاندن سینه پستان، ساق و غیره نبودند. (این موضوع را از وسایل الشعیه (حر عاملی) از قول امام صادق همچنین با واسطه از ابوحنیفه و پیروان شافعی نقل می کنند)

به ارتباط حجاب زنان، که یکی از موضوعات مهم اسلامی می باشد باید بیشتر مکث نمود و فهمید که وقتی اسلام و دنباله روانش از حقوق مساوی زن صحبت می دارند منظور شان چیست؟؟ در این دین مبارک مرد ها حقوقی ندارند چه رسد به این که از حقوق زن در اسلام!! صحبت نمائیم؟؟ با روایاتی که از علمای دین در رابطه به حجاب داشتیم موضوع عمده آن بوده است که کنیز که خود یک زن و انسان است از حق استفاده از حجاب (غرض حفظ شرف و عفت) محروم می باشد و حق ندارد منحصیث زن از حجاب استفاده نماید زیرا کنیز است؟؟ و این نشاندهنده آنست که کنیز به علاوه این که از جنسیت زن است اما عفت و شرف او از دید اسلام و اسلامگرایان ارزش ندارد!! حال این موجودی که از دیدگاه اسلاميون چنین حقیر پنداشته می شود کیست؟ و چیست؟ نظر گذرا به آن بد نخواهد بود. ابتداء باید وجود خارجی (فیزیکی) او را (زن کنیز) منحصیث یک موجود زنده و ذی حق در ذهنیت این رقصان اسلامی ترسیم نمود. چون آنها به زن وقتی توجه دارند که ضرورت جنسی داشته باشند و برای رفع این ضرورت به صد ها آیت و حدیث پشت هم قطار می کنند.

پامال نمودن حق زن در اسلام عزیز یک اصل است و کنیز که خود زن می باشد از نگاه حقوقی پائین تر از زن قرار دارد. یعنی در دین اسلام موجودیت او من حیث یک انسان نا دیده گرفته شده است. برای روشن شدن و واضح صحبت نمودن در این مورد لازم است تا ببینیم قرآن در این باره چه می فرماید:

سوره معارج آیات ۲۹ و ۳۰ (و آنان که اندام خود را از شهوترانی نگاه می دارند مگر بر زنان حلال و کنیزان ملکی خویش که از اعمال شهوت هیچ ابائی ندارند) (در این آیت، الله به وضاحت از زنان کنیز من حیث شی و جنس یاد می کند که از خود مالک دارند و از انجام هیچ کار غیر اخلاقی رو گردان نیستند)

سوره احزاب آیت ۵۰ (ای پیامبر زنانی که مهر شان را ادا کردی بر تو حلال کردیم و کنیزانی را که به غنیمت خدا ترا نصیب کرد و نیز کنیزانی را که (از طریق غنایم جنگی) خدا به تو ارزانی داشته است و دختران کاکا، دختران عمه هایت، دختران ماما، دختران خاله هایت، که با تو هجرت کرده اند (ازدواج با آنها برای تو حلال کرده ایم) و (نیز) زن مؤمنی را که اگر خود را به پیامبر ببخشد اگر پیامبر بخواهد او را به زنی گیرد (این حکم) مخصوص توست نه دیگر مؤمنان. براستی که ما می دانیم آنچه را که بر آنها در (بارۀ) همسران شان و کنیزان شان واجب کرده ایم تا بر تو هیچ حرجی نباشد و خداوند آمرزنده مهربان است) حال دیدیم که کنیزان به چه نوع صفاتی از طرف الله یاد و واضح می گردند که کنیز کسی و یا موجودی و یا جنسی است که محمد به غنیمت نصیب گردیده است

در سوره مؤمنون آیات ۵ و ۶ می خوانیم: و آنانی که عورت های شان را از عمل حرام نگاه می کنند مگر بر جفت های شان یا کنیزان ملکی متصرفی آنها که هیچ گونه ملامتی در مباشرت این زنان بر آنها نیست.

سوره احزاب آیت ۵۲: ای پیامبر! بعد از این دیگر نه هیچ عقد زن بر تو حلال است و نه مبدل کردن این زنان به دیگر زن هر چند از حسنش به شگفت آئی و بسیار در نظرت زیبا آید مگر که کنیزی مالک شوی و خدا بر همه چیز مراقب است (البته همه می دانند که این آیت بعد از نزول آیت ۵۰ سوره احزاب در مورد آزاد بودن محمد در تجاوز به دختران

خاله، ماما، کاکا، عمه و..... و دعوا و جدال عایشه با محمد نازل شد) تا این که عایشه آرام باشد.
از ارشادات این احکام خداوندی چنین بر می آید: مردان مسلمان در بر خورد با کنیزان ضرور نیست خود را از شهوت رانی نگه دارند. اعمال شهوت بر کنیز بدون ملال جایز است

خداوند که مشکل کشای خواست های زیر ناف می باشد و میل ندارد پیامبرش از نبود موجودی غرض اطفای شهوت ناراحت باشد فلذا او را دلداری داده و اجازه می دهد تا به کنیزی که او مالک می شود می تواند آزادانه آمیزش نماید

وضع زنان در کشور بر باد شده و مصیبت زده ما خیلی آسف ناکتر در مقایسه با کشور های دیگر می باشد.
اینجا همه قانونمندی های خشونت آمیز، رفتار نا انسانی مرد ها با زنان شان، تحقیر و توهین به آنها، وادار نمودن شان به مشکلترین کار های شاقه، محرومیت از ابتدائی ترین وسایل صحت و.... همه شکل مقدس و دینی دارد که این آقایان عالمان دین مشخصاً و مستقیماً در این مظالم روا داشته شده برزن سهیم بوده و با استفاده از خوشباوری های مردم به هر طرف جولان دارند.

با تحلیل های مختصر از وضع زن و حجاب در اسلام به این نتیجه ساده می رسیم:
سالهاست که جهالت مذهبی بر جامعه ما تحمیل شده است و هر کس که شمعی روشن نموده تا گوشه ای از این تاریکی را روشن نماید جان و مالش به تاراج رفته، مورد اهانت و خشونت ارباب قدرت با همکاری مستقیم همین عالمان دین قرار گرفته حتی تعدادی از آنها نا بود گردیده اند.

امروز که فرصتی پیش آمده و شرایط مساعد گردیده است این عالمان دین باید به جای مخالفت با روشنگری راه تفاهم و صحبت پیرامون آنچه را مقدس می پندارند و یا به آن تظاهر می کنند پیش گرفته و حد اقل به آرامش وجدانی خود دست یابند.

بیا هموطن! شمعی روشن کن، ولو نورش کم رنگ باشد. یقین داشته باش با این عمل تو و من جهانی تغییر خواهد خورد. همه شمعی روشن کنید تا مگر چشمی چشم دیگر را ببیند. از این که شما را اسلام ستیز بنامند نهراسید که اسلام ستیزی چیزی نیست مگر خرافات ستیزی.

ادامه دارد